

زنان و پویایی مدیریت محیط زیست شهری (مطالعه موردی: کلانشهر تهران)

فتانه اصحابی^۱، زهره فنی^{۲*}، صدرالله گودرزی پور^۳

۱. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشیار گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

(پژوهشی)

(دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰)

<http://dx.doi.org/10.52547/sdge.3.5.178>

چکیده

حفظ محیط زیست شهری امروزه یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین دغدغه‌های بشر است. پژوهشگرانی که به مطالعه محیط زیست پرداخته‌اند، یکی از مسایل را کم رنگ بودن نقش جنسیت در حفظ و بهبود وضعیت محیط زیست دانسته‌اند. بررسی‌ها نشان از رابطه‌ی ویژه زنان با محیط زیست دارد و اینکه زنان در زمینه‌ی تقویت پایداری محیط‌زیست و ارتقای آن، انگیزه بیشتری دارند. پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل نقش زنان در پویایی مدیریت محیط زیست کلانشهر تهران می‌پردازد. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی و همبستگی با هدف کاربردی است. جامعه آماری تحقیق زنان ساکن شهر تهران هستند و با روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای بعد از تعیین حجم نمونه از طریق فرمول کوکران انجام شده است. داده‌های مورد نیاز برای تحلیل با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده‌اند که روایی آن به صورت صوری و پایایی آن با آزمون آلفای کرونباخ برای ابعاد مربوط به محیط‌زیست شامل "میزان درک و آگاهی، میزان مشارکت و میزان موفقیت در مدیریت مسائل زیست‌محیطی" به ترتیب با ارزش عددی ۰/۸۶۹، ۰/۷۱۵ و ۰/۸۱۷. به تأیید رسیده است. داده‌ها با بهره‌گیری از نرم‌افزار EXCEL, SPSS و آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان داد که عامل ادراک و آگاهی زنان با میانگین ۳/۹۳ بر پویایی مدیریت محیط زیست کلانشهر تهران تأثیرات مؤثری دارد. یعنی میزان تأثیرگذاری عامل ادراک و آگاهی زنان بر پویایی مدیریت محیط زیست کلانشهر تهران بیشتر بود در حالی که در بعد مشارکت و مدیریت محیط زیستی شهر تهران به ترتیب با میانگین ۲/۷۸، ۲/۸۲ ضعیف عمل کرده‌اند.

واژه‌های کلیدی: پایداری، زنان، کلانشهر تهران، مدیریت، محیط زیست شهری

مقدمه

نگاهی به روند زندگی بشری طی چند قرن اخیر نشان می‌دهد که توسعه به‌ویژه توسعه پایدار بدون در نظر گرفتن نقش زنان ممکن نیست اجلاس سازمان ملل در رابطه با توسعه و محیط زیست (UNCED^۱) در ریو دوژانیرو در سال ۱۹۹۳ اتفاق مهمی برای سراسر جهان بود. زیرا نقش قاطع زنان در دستیابی به نوع متفاوت از توسعه را که به‌طور اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پایدار باشد، بازشناسی کرد و سهم اساسی آنان را در مدیریت محیط زیست و توسعه بیشتر مورد تأکید قرار داد. در دستور کار ۲۱ این اجلاس، زنان به عنوان یک گروه اصلی که مشارکت آنها در دستیابی به توسعه پایدار ضروری است، مورد توجه قرار گرفته‌اند (کریمی و درویش نوری، ۱۳۹۷). توسعه پایدار نیازمند آن است که الگوهای توسعه‌ای که نیازهای نسل حاضر را برآورده سازند، به نیازهای نسل‌های آینده آسیب نرسانند. (Yan et al, 2018). ارتقاء آگاهی‌های محیط زیستی، اصلاح نگرش و شیوه زندگی در جامعه و اصلاح الگوهای تولید و مصرف بر مبنای توسعه پایدار می‌باشد که تحقق این اهداف نیاز به تنویر و آگاه‌سازی تفکر و رفتار مصرفی کلیه اقشار جامعه به ویژه زنان به عنوان ارکان جامعه دارد. یکی از جنبه‌های مشارکت زنان نقش آنها در برنامه‌های محیط زیست پایدار است که به عنوان یکی از تاثیرگذارترین و تاثیرپذیرترین گروه‌های اجتماعی متاثر از سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه پایدار زیست محیطی می‌باشند تا به حدی که دامنه اثرگذاری آنها کل اجتماع را نیز در بر خواهد گرفت. آگاه‌سازی و توانمندسازی زنان نیاز به حرکتی همه‌جانبه دارد که شامل اصلاحات فرهنگی، اجتماعی، ساختار حقوقی و تغییر برنامه‌های مدیریتی است (Wong et al, 2006). حفظ محیط زیست شهری امروزه یکی از مهمترین و جدی‌ترین دغدغه‌های بشر است، چرا که زندگی بشر در کره زمین در سالیان آینده و حتی نه چندان دور به فائق آمدن بر مشکلاتی بستگی دارد که بشر در طی چندین سال گذشته و پس از صنعتی شدن ایجاد کرده است. در حال حاضر، تمدن، بیشتر با معیارهای توانایی در حفظ محیط زیست ارزیابی می‌شود تا توانایی مداخله و

بهره‌کشی از آن در جهت منافع انسانی. ارتباط با محیط زیست همواره در جوامع و به خصوص در ایران در رابطه تنگاتنگ با زندگی مردم بوده است و ریشه‌های توجه به محیط زیست را می‌توان در مسائل اجتماعی و ساختارهای جامعه مدنی جستجو کرد. در حقیقت، تفکرات اجتماعی در جوامع، شیوه نگرش به موضوعاتی مانند محیط زیست را تحت تأثیر قرار می‌دهد، به همین دلیل است که تمرکز بر روی محیط زیست به عنوان امری جدا از کار، اقتصاد یا فرهنگ شاید به آسانی منجر به مرگ محیط‌زیست‌گرایی شود. محققانی که به مطالعه محیط زیست پرداخته‌اند، یکی از مسایل را کم رنگ بودن نقش جنسیت در حفظ و بهبود وضعیت محیط زیست دانسته‌اند. امروزه، مباحث جنسیت به صورت جدی در حفاظت، استفاده و مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست نقش بسزایی دارند. بری معتقد است که خاستگاه پیوند میان جنسیت، محیط زیست و نظریه اجتماعی در اواخر سده‌ی هجدهم قرار دارد. در سال‌های پایانی قرن بیستم نیز در حوزه‌ی حفاظت از محیط زیست، توجه بسیاری به موضوع جنسیت شده است. دیدگاه غالب این است که زنان نسبت به رفتارهای محیط زیستی نگرش و نگاه همدلانه‌تری دارند و در طی چند دهه گذشته، دغدغه‌های محیط زیستی بیشتری از خود نشان داده‌اند (عباس‌زاده و کریم‌زاده، ۱۳۹۶). اما در سالهای اخیر، مسایل زیست‌محیطی متعدد از قبیل تغییرات آب و هوایی، بیش از پیش، تبدیل به موضوع اجتماعی با اهمیتی برای طیف وسیعی از مردم شده است و علاوه بر این، توجه و دقت نظر گسترده‌ای را از سوی محافل دانشگاهی و علمی دریافت کرده است (Urien and Kilbourn, 2011). رشد شتابان شهر و شهرنشینی و گسترش مسائل و مشکلات زندگی شهری باعث شده تا نیاز به حضور فعالانه و تأثیرگذار زنان در عرصه‌های مدیریت شهری بخصوص محیط زیست شهری بیش از پیش احساس شود. (بزی و سرگلزایی، ۱۳۹۱). در سال‌های پایانی قرن بیستم در حوزه‌ی حفاظت از محیط زیست، توجه بسیاری به موضوع جنسیت شده است (فنگ و ژی هوا، ۲۰۰۹)، دیدگاه غالب این است که زنان نسبت به رفتارهای محیط

است. و در انتها سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا زنان توانایی این را دارند که محیط زیست شهری را از وضعیت کنونی خارج کنند و آن را با پویایی به سوی مدیریت پایدار سوق دهند؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مشارکت محیط زیستی زنان بر اساس دیدگاه

فمینیسم^۲ و اکوفمینیسم^۳

اکوفمینیسم را می‌توان فلسفه‌ای اکولوژیکی و جنبشی اجتماعی توصیف کرد که شامل مطالعات محیطی، نقد مدرنیته و تحلیل انتقادی فمینیسمی است که به تبیین ارتباط میان زنان، طبیعت و پیامدهای این روابط بر سیاست‌های محیطی می‌پردازد. به اعتقاد اکوفمینیست‌ها مشکلات محیطی، حاصل مردسالاری و سلطه مردان بر منابع و سرمایه‌های طبیعت است. از دیدگاه آنها سه مبحث حائز اهمیت است و باید به‌طور جدی پیگیری شود: بررسی روابط زنان با طبیعت، ارتباط بین سلطه و ظلم بر زنان و طبیعت، نقش زنان در حل مشکلات اکولوژیکی طبیعت (علیرضا آل‌بویه و همکاران، ۱۳۹۷). اکوفمینیسم در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ به عنوان یکی از اشکال نظریه‌های فمینیسم و محیط زیست‌گرایی علاقه‌مند به عمل‌گرایی ظهور یافت. این اصطلاح از سوی فرانکوئیس ایوبونه^۴ در کتابش تحت عنوان "فمینیسم یا مرگ" که در سال ۱۳۷۴ به چاپ رسید مطرح شد. (صالحی و خوش فر، ۱۳۹۲). بر پایه نظریه اکوفمینیسم که ترکیبی از فمینیسم و جنبش‌های محیط زیستی است، تأکید عمده بر این است که زنان، حامی بالقوه سیاست‌های محیطی هستند (صالحی و همکاران، ۱۳۹۴). اکوفمینیست‌ها بر این باورند که بین زنان و جنبش‌هایی که در راستای حفاظت از محیط زیست شکل گرفته‌اند، پیوستگی وجود دارد. برخی از اکوفمینیست‌ها ادعا کردند نتیجه تخریب طبیعت و بلاهای ناشی از دگرگونی اقلیمی، در درجه اول بر زنان تأثیر می‌گذارد. به اعتقاد آنان زنان به دلیل فرودستی موقعیتشان، از طوفان‌ها، آتش‌سوزی‌ها، سیل‌ها، خشکسالی‌ها، موج‌های گرما، بیماری‌ها و قحطی‌ها آسیب‌پذیری بیشتری دارند (Leahy, 2003). شبکه محیط زیستی زنان انگلستان

زیستی (چه در بحث مربوط به مشارکت و چه مباحث مدیریتی) نگرش و نگاه همدلانه‌تری دارند. بدین معنا که تحقیقات در حوزه محیط زیست در چند دهه گذشته نشان داده که زنان دغدغه‌های محیطی بیشتری داشته‌اند (ساندستروم و مک رایت، ۲۰۱۳). به زعم "میر" بعد جنسیتی مسائل محیط زیستی مبتنی بر دو ادعای مرتبط به هم است. ادعای اول این است که زنان و مردان ارتباط متفاوتی با محیط زیست خود دارند و محیط زیست یک مسئله جنسیتی است. ادعای دوم هم بر این مبناست که زنان و مردان به صورت متفاوت نسبت به مسائل محیط زیستی عکس‌العمل نشان می‌دهند؛ بویژه زنان که بیش از مردان حساسیت نشان می‌دهند (Eaton, 2003). شهر تهران در چهار دهه اخیر، بعنوان پایتخت کشور، شاهد دگرگونی‌های متنوع و متعددی در عرصه‌های مختلف جمعیتی، اقتصادی و محیطی بوده است. از جمله مواردی که باعث شده کیفیت محیط زیست شهری تهران یکی از ضعیف‌ترین شهرهای آسیا لقب بگیرد عبارتند از: تولید CO₂ بالا، مصرف انرژی خیلی زیاد، سرانه‌ی فضای سبز پایین، سرانه تولید زباله بسیار بالا، مصرف آب زیاد و... (طیبیان و همکاران، ۱۳۹۳) از جمله مواردی هستند که لزوم مدیریت شهری (یکپارچه) و بخصوص مشارکت و مدیریت زنان را در مسائل و بخش‌های مختلف محیط زیست شهر تهران ضروری ساخته است. از جمله عواملی که زنان با نقش‌آفرینی خود در حوزه مدیریت و تصمیم‌گیری می‌توانند موجب پویایی کیفیت محیط زیست شهری تهران شوند عبارتند از: کاهش تبعیض جنسیتی و تأکید بر توانمندی خود، آگاهی دادن و آموزش به افراد برای استفاده بهینه و موثر از منابع موجود، ترویج فرهنگ استفاده از حمل و نقل عمومی برای کاهش بار آلودگی هوا و آلودگی صوتی، نهادینه کردن فرهنگ الگوی مصرف صحیح و... علاوه بر این، زنان خانه‌دار و شاغل همگی با مطالعه، آموزش و ارتقای آگاهی‌های محیط زیستی خود، خانواده و اطرافیان، اثرات مهمی در بهبود شرایط محیط زیست شهر خواهند داشت؛ نکته‌ای بنیادی که از دید و توجه اغلب دست‌اندرکاران و مدیران این حوزه مغفول مانده

اکوفمینیست‌ها مانند فمینیست‌ها به دنبال برابری زنان با مردان نمی‌باشند بلکه هدف آنها، آزادی زنان به عنوان جنس زن است (ولن، ۲۰۰۶). اکوفمینیست‌ها بحث می‌کنند که بطور تاریخی دانش زنان از طبیعت به حفظ زندگی کمک می‌کند. نظریه اکوفمینیستی تسلط و بهره‌کشی تاریخی زنان و طبیعت را در کنار یکدیگر ترسیم کرده و هر دو را قربانیان توسعه در نظر گرفته است. بر اساس این دیدگاه هر آسیبی به طبیعت به زنان آسیب میرساند (Rao, 2012). اکولوژیست‌های سیاسی فمینیست نیز نشان داده‌اند که زنان در کشورهای در حال توسعه دانش عمیقی درباره بذرها، بوته‌ها، گیاهان و درختان و در کل منابع طبیعی دارند. بنابراین در یک رهیافت و فرایند توسعه از پایین به بالا و حساس به جنسیت، زنان در کشورهای در حال توسعه یک عنصر کلیدی توسعه در کل و به ویژه در زمینه حفاظت از محیط زیست هستند (Gururani, 2002).

مدیریت محیط زیست شهری^۶

هدف کلان مدیریت محیط زیست شهری، تقویت فرایند توسعه پایدار شهری است؛ به نحوی که زمینه و محیط مناسب را برای زندگی راحت، امن و کارآمد شهروندان فراهم آورد. مسلمان با چنین دیدگاهی نقش کیفیت عملکرد در مدیریت محیط زیست شهری بسیار شایان توجه و کلیدی است؛ چرا که در واقع می‌تواند، فضای مطلوبی برای رشد و ارتقاء سرمایه طبیعی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فیزیکی فراهم سازد و رفاه پایدار بشری در گروه برقراری تعامل و توازن میان این اشکال مختلف از سرمایه است (PourKarimi et al, 2016). از سوی دیگر، در شهرهای کشورهای در حال توسعه، مدیریت محیط زیست شهری یک اولویت نیست و این در حالیست که شهرها با یکسری از پیامدهای فاجعه‌بار اعم از: تغییرات اقلیمی، کیفیت پایین هوا، سروصدا، ترافیک سنگین، افزایش زباله‌های جامد و استفاده بیش از حد از منابع طبیعی، مدیریت زیست‌محیطی ضعیف و کمبود برنامه استراتژیک روبه‌رو می‌شوند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۸). نمونه واضح و مشخص این‌گونه تقابل را می‌توان در کلانشهر تهران که بزرگ‌ترین و متراکم‌ترین

اعلام کرد سالانه بیش از ده هزار زن در اثر بلایای مرتبط با آشفستگی‌های اقلیمی می‌میرند، در حالی که در این مدت تنها چهارهزارو پانصد نفر از مردان جان خود را از دست داده‌اند. به ادعای این شبکه ۸۰ درصد آوارگان بلایای طبیعی زنان هستند، بیست میلیون از ۲۶ میلیون نفری که محل سکونت و منابع گذران زندگی‌شان را به سبب دگرگونی اقلیمی از دست داده‌اند نیز زن هستند (ven.org.uk, 2010). در سال ۱۹۹۱ در بنگلادش هنگامی که گردبادی خانه‌های مردم را ویران کرد، شمار زنانی که جان باختند، پنج برابر مردان بود. فعلا این شبکه معتقدند در جاهایی که موقعیت اجتماعی زنان و مردان برابر است، در اثر بالا رفتن بهای مواد غذایی، موج‌های گرما و بیماری‌های ناشی از نابودی محیط زیست، زنان تهدیدست آسیب‌پذیری بیشتری نسبت به مردان دارند. آنان از این آمار نتیجه گرفتند زنان همواره نسبت به مردان بیشتر از تخریب طبیعت آسیب می‌بینند و در معرض خطر بلایای اقلیمی قرار می‌گیرند. به ادعای آنان این دلایل موجب شد تا زنان مدافعان جدی حقوق طبیعت بوده، نسبت به محیط زیست مهربان‌تر از مردان باشند. بنابر نظر گلیگان، برخی از اکوفمینیست‌ها مدعی شدند زنان نسبت به همه چیز حتی محیط زیست و طبیعت مهربان بوده و روحیه رسیدگی و مراقبت نسبت به آن را دارند، بنابراین می‌توانند حافظان خوبی برای طبیعت باشند (Biehl, 2011). طبق نظر هماتی^۵ (۲۰۰۸) مدارکی وجود دارد که زنان از نظر محیطی نسبت به مردان آگاه‌ترند. و بیشتر در فعالیتهای حفاظت از محیط زیست از قبیل بازیافت مواد زائد، استفاده مجدد از مواد زائد، خرید آگاهانه کالاهای سازگار با محیط زیست و غیره... درگیر هستند (اکبری، ۱۳۹۱). اکوفمینیسم بطور کلی به معرفی تشابه بین زن و طبیعت از لحاظ باروری، صلح‌جویی، ایجاد اتحاد می‌پردازد و در آخر آن را با مرد و تضادهای موجود مورد مقایسه قرار می‌دهد (لانگنر، ۲۰۰۵). اصول اساسی در این نگرش وجود دارد. اکوفمینیست‌ها همان اصول و دیدگاه‌های فمینیست‌های کلاسیک را دارند، اما با این تفاوت که نقش زنان در مسایل محیط زیست، بیشتر مورد توجه آنها می‌باشد.

مسئولین که به بی‌اعتمادی و عدم همکاری منجر می‌شود، ناشی از عدم جلب مشارکت اجتماعی شهروندان است. در حالی که موفقیت مدیریت شهری به توسعه فرهنگ شهروندی و مشارکت شهروندان در اداره امور شهر بستگی دارد.

ارتباط زنان با محیط زیست شهری

روشن است با توجه به گستردگی و پیچیدگی مسائل محیط زیستی و پر هزینه بودن روش‌ها و ابزارهای مقابله با آن‌ها، یکی از بهترین گزینه‌ها بهره‌گیری از مشارکت مردمی است. نیمی از جمعیت شهری را زنان تشکیل می‌دهند که با توجه به ارتباط مستقیم خود با گروه‌های دیگر، از مؤثرترین گروه‌های اجتماعی شهرها بشمار می‌آیند. در نتیجه باید از توانایی‌های آنان در حفظ محیط زیست شهری استفاده نمود (احمدی و همکاران، ۱۳۹۶). بر این اساس توجه ویژه به نیروهای بالقوه زنان (نیمی از جمعیت کشور)، در تدوین برنامه‌های توسعه‌ای بر اساس شاخص‌های توسعه پایدار امری ضروری است. زنان به دلیل جایگاه تاریخی، خانوادگی و تمایلات فطری‌شان نقش ویژه‌ای را در آموزش و برقراری عدالت آموزشی می‌توانند داشته باشند. بر این اساس محققین به نقش برجسته زنان در مسائل محیطی پی برده‌اند و خواستار مشارکت آنان در تعیین الگوهای مناسب حفاظت از محیط زیست و کاهش ضایعات شده‌اند. در نظر گرفتن لایه‌های مختلف اجتماعی به ویژه زنان به عنوان محرک‌های اصلی و موثر در مدیریت محلی منابع آب و حفاظت از محیط زیست ضروری است بنابراین زنان به دلیل نقش‌های چندگانه خود از جمله نقش ویژه در مدیریت خانه و به علت تجربه‌هایی که در زمینه استفاده از منابع طبیعی و مدیریت آن دارند می‌توانند برنامه‌ریزان آموزشی و اصلاح محیط زیست در خانه و محله خود باشند و از طرفی می‌توانند طلایه‌داران تربیت نسلی باشند که به محیط زیست احترام بگذارند. در این راستا راهبردهای توسعه آموزش در توسعه پایدار با محوریت زنان منجر به توان‌افزایی زنان در زمینه استفاده از دانش زیست محیطی و افزایش آگاهی آنان می‌شود. بنابراین

سکونتگاه انسانی در فلات ایران است مشاهده کرد. با بررسی سرگذشت این منطقه، این نکته نمایان است که بارگذاری بیش از حد جمعیت مازاد بر توان اکولوژیکی خود و دستاوردهای آن و بار فعالیت‌ها در سال‌های متمادی، به حدی شرایط محیط زیست آن را دگرگون ساخته است که نیاز به اصلاح و بازنگری مدیریت و بازنگری دارد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۷). محیط زیست شهری، علاوه بر فراهم نمودن فرصت‌هایی در جهت رشد کمی و کیفی شهر این امکان را فراهم می‌کند تا ساکنین با طبیعت تعامل داشته و کیفیت زندگی ارتقاء پیدا کند. پیوند میان محیط زیست و شهر به صورت غیرمستقیم زمینه آموزش را برای افراد شهر فراهم می‌کند. توسعه پایدار یکی از عمده‌ترین مفاهیمی است که بشر با آن مواجه شده است. نگهداری و حفاظت از محیط زیست شهر نیز یکی از وظایف اصلی حال و آینده است به طوری که امروز حفظ محیط زیست یکی از ارکان مهم رعایت حقوق بشر است زیرا محیط زیست به عنوان پدیده‌ای نامحدود نه فقط برای نسل امروز بلکه برای ادامه حیات آیندگان می‌باید حفظ شود. آموزش محیط زیست، بنیادی‌ترین شیوه در حفاظت از محیط زیست بوده که به کودکان و بزرگ سالان، بهترین شیوه‌ی ارایه مطالب و نحوه‌ی فعالیت‌ها و اجرای ساختاری در زمینه ارتقاء آگاهی‌های زیست محیط را می‌آموزد تا از این طریق هر فرد جامعه، خود را از طریق احترام گذاشتن به طبیعت، مسئول در حفظ و حمایت از محیط زیست بداند (NAAEE, 2011). بنابراین اکنون که محیط زیست مورد تعرض و سلامت شهروندان در خطر قرار گرفته، بهره‌مندی از نقش‌آفرینی زنان، کار مدیران توانمند و عاقبت‌نگر است. حفاظت از محیط زیست بدون حضور جدی زنان محقق نخواهد شد و به عنوان نیمی از جمعیت جهان، مدیران مصرف منابع در سطح خانوار به شمار می‌آیند. آگاهی از سطح دانش محیط زیستی زنان خانه‌دار و همچنین شناسایی نیازها و خلأهای موجود در این زمینه می‌تواند نقش به‌سزایی در ارتقای فرهنگ محیط زیستی جامعه داشته باشد (مبرقعی دینان و شهریار، ۱۳۹۵). از این رو بخش مهمی از شکاف و فاصله میان شهروندان و

آسیب‌پذیری بیشتری در رابطه با تغییرات مخرب آب و هوایی دارند، همچنین نتایج این محقق بیانگر این بود که شوک‌های اقلیمی و بلایای طبیعی، تأثیرات منفی بزرگی روی برابری جنسیتی دارند به طوری که تغییرات دمایی و افزایش حوادث آب و هوایی تداعی کننده کاهش وضعیت اقتصادی زنان و حقوق اجتماعی‌شان است. این عوامل در ایالت‌های با وضعیت دموکراتیک نسبی کمتر، وابستگی بیشتر در کشاورزی و سطح پایین‌تر توسعه اقتصادی، چشمگیرتر بود. لیو^{۱۱} و همکاران (۲۰۱۸) در بررسی تفاوت‌های جنسیتی در واکنش‌های فیزیولوژیکی و روانشناختی به محیط حرارتی (تغییرات دمایی) با لباس‌های مختلف گزارش کردند که زنان در مقایسه با مردان حساسیت بیشتری به محیط سرد دارند. در مطالعه‌ای دیگر یادوا و لال^{۱۲} (۲۰۱۸)، به بررسی آسیب‌پذیری زنان نسبت به تغییرات آب و هوایی در مناطق خشک و نیمه‌خشک هند و جنوب آسیا پرداختند و گزارش کردند که عواملی از قبیل فقر، نابرابری جنسیتی، عدم امنیت، وابستگی شدید به بخش کشاورزی و دسترسی محدود به دانش و اطلاعات کافی، باعث آسیب‌پذیری زنان به تغییرات آب و هوایی می‌شود با این حال آنها به دنبال سازگاری با این تغییرات اقلیمی بوده و نگران مسائل محیط‌زیستی هستند و از سیاست‌های مربوط به حفاظت از محیط‌زیست حمایت می‌کنند و حضور فعالی دارند. همچنین این محققان گزارش کردند که شکاف علمی بزرگی در رابطه با آسیب‌پذیری زنان نسبت به تغییرات آب و هوایی در مناطق خشک و نیمه‌خشک وجود دارد، و در انتها پیشنهادهایی در رابطه با کاهش آسیب‌پذیری زنان نسبت به تغییرات آب و هوایی ارائه دادند. فنی (۱۳۹۴) در بررسی تغییرات آب و هوایی، نقش جنسیتی و امنیت غذایی گزارش کرد که شهرنشینی شتابان و تولید زیاد و صنعتی مواد غذایی به هر قیمتی و اغلب از طریق استفاده ناپایدار از دانه‌های اصلاح شده و کود شیمیایی، منجر به افزایش گازهای گلخانه‌ای و تغییرات آب و هوایی می‌شود. زنان به‌عنوان تولیدکنندگان اصلی مواد غذایی در کشورهای درحال توسعه، مستقیماً از تغییرات آب و هوایی و گرمایش

سیاست‌گذاربهای کلان بر اساس رویکرد راهبردهای توسعه آموزش در توسعه پایدار زیست محیطی با محوریت زنان یکی از بهترین و با صرفه‌ترین روش‌های جلوگیری از تخریب محیط زیست است (جدا، ۱۳۹۵).

آگبگودی و او فوکا^{۱۳} (۲۰۰۷)، در پژوهش توسعه و ترویج حفاظت از محیط زیست در کشور نیجریه از طریق آموزش محیطی (نقش زنان)، به این نتیجه رسیدند که زنان جدا از این که به عنوان اولین معلمان بچه‌هایشان هستند می‌توانند تاثیر قابل توجهی بر همسر، بستگان و همسایه‌ها در رابطه با مسائل محیط زیستی داشته باشند. ولی زنان در این راه با چالش‌هایی از قبیل: کمبود افراد آموزش دیده، عدم تعهد و الزام دولت به بودجه کافی برای انجام این کار، عوامل فرهنگی، مذهبی و اقتصادی، فقدان زمان و سایر وظایف داخلی زنان روبرو هستند. جین^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۵) به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میان کشاورزان در رابطه با تغییرات آب و هوایی در کشور چین پرداختند و به این نتیجه رسیدند که در رابطه با میزان دانش و درک تغییرات آب و هوایی بین زنان و مردان، تفاوت آماری معناداری وجود نداشت اما در رابطه با پذیرش، اقدامات مربوط به سازگاری با تغییرات آب و هوایی، تفاوت جنسیتی معناداری وجود داشت از این‌رو لازم است که مقامات به منظور ایجاد فناوری‌های جدید برای تعدیل تغییرات آب و هوایی، تفاوت‌های جنسیتی را لحاظ کنند. دنا^{۱۵} و همکاران (۲۰۱۶) در کشور اندونزی سواد محیطی زنان به عنوان سرمایه اجتماعی در مدیریت و حفظ امنیت محیط زیست منطقه شهری مورد مطالعه قرار گرفت. از آنجا که تجربه زنان در تعامل با دو بعد اجتماعی و فیزیکی محیط زیست متفاوت است بهتر می‌توانند مخاطبان خود را در رابطه با مسائل محیطی متقاعد کنند؛ به عنوان مثال در مدیریت مصرف در داخل خانه با کاهش مصرف بی‌رویه، استفاده مجدد و بازیافت می‌توان پسماندهای خانگی را کاهش داد و این کلید دستیابی به توسعه پایدار است. ایستن^{۱۶} (۲۰۱۸)، در بررسی تغییرات اقلیمی و برابری جنسیتی در کشورهای در حال توسعه گزارش کرد؛ معمولاً پذیرفته شده است که زنان در مقایسه با مردان

کمی) تجزیه و تحلیل و برای تحلیل آماری داده‌ها از نرم‌افزار EXCEL, SPSS استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش شامل زنان ساکن شهر تهران هستند که بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آنها ۴,۳۶۴,۷۴۰ نفر برآورد شده که در محدوده سنی ۲۰-۶۰ سال قرار گرفته است که از روش نمونه‌گیری تصادفی - طبقه‌ای استفاده شده و حجم نمونه هم از طریق فرمول کوکران بدست آمده است. برای سنجش روایی (اعتبار)، با استفاده از روایی صوری، نظرات افراد مرتبط بررسی و جمع‌بندی شده است. به این منظور، پرسشنامه به تأیید اساتید و افراد آگاه در این زمینه رسید. برای تحلیل پایایی پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده کردیم. ابعاد مربوط به محیط‌زیست شامل "میزان درک و آگاهی، میزان مشارکت و میزان موفقیت در مدیریت مسائل زیست‌محیطی" به ترتیب با ارزش عددی «۰/۷»، «۰/۸۶۹»، «۰/۷۱۵» و «۰/۸۱۷» چون از «۰/۷» بالاتر هستند از پایایی قابل قبول و مطلوبی برخوردار بودند. و همچنین از آزمون کوموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرهای تحقیق استفاده شد. در ادامه آماره‌های توصیفی و استنباطی روی داده‌ها انجام شده است. پرسشنامه به عنوان ابزار اندازه‌گیری مناسب تشخیص داده و استفاده شد. تعداد ۳۵۰ پرسشنامه با استفاده از طیف پنج گزینه‌ای لیکرت ارزش‌گذاری شدند.

محدوده مورد مطالعه

شهر تهران با مشکلات محیط زیستی فراوانی روبروست که یکی از مهمترین آنها آلودگی‌های محیطی است. سازمان‌هایی که مسئولیت مدیریت محیط زیست شهر تهران را بر عهده دارند، متعدّدند و ناهماهنگی بین آنها از عوامل بروز مشکلات محیطی شهر تهران به حساب می‌آید. باید گفت که این شهر مانند بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا از مشکلات فزاینده زیست محیطی و آلودگی هوا، آب، خاک و آلودگی صوتی رنج می‌برد. عواملی از قبیل وسائل نقلیه زیاد، استفاده نامناسب از سوخت‌های فسیلی، فزونی جمعیت و توپوگرافی شهر باعث بوجود آمدن این مشکلات شده است. نهادهای متعدّدی مسئول رسیدگی به مسائل محیطی شهر

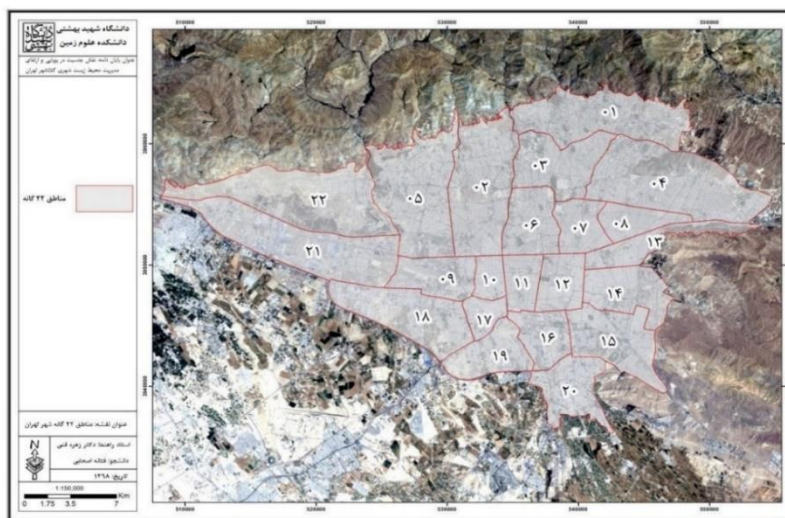
زمین متاثر هستند؛ و بطور غیرمستقیم از افزایش قیمت مواد غذایی ناشی از تغییرات آب و هوایی تاثیر می‌پذیرند. نتایج این تغییرات بر منابع، هزینه زمانی برای دختران و زنان را افزایش می‌دهد. محدودیت تحرک زنان و دختران، آسیب پذیری آنها را از تغییرات شدید آب و هوایی بیشتر می‌کند و دسترسی ضعیف زنان به منابع اطلاعاتی و سرمایه‌ای و نبود تمرکز روشن بر کیفیت زندگی زنان مولد غذا، به معنای این است که مسائلی مانند کار مراقبتی بدون دستمزد، خشونت و اثرات خاص جنسیتی تغییر آب و هوا، جنگ و دیگر پدیده‌های جهانی، در زمینه برنامه‌های امنیت غذایی نادیده گرفته می‌شوند. احمدی و همکاران (۱۳۹۶) در بررسی رابطه جنسیت با شهروندی محیط زیستی به این نتیجه رسیدند که زنان از نظر محیط زیستی نسبت به مردان آگاه‌ترند و بیشتر در فعالیتهای حفاظت از محیط‌زیست از قبیل خرید آگاهانه کالاهای سازگار با محیط‌زیست، عدم ریختن آشغال در محیط و غیره درگیر هستند و به عبارتی میزان شهروندی محیط زیستی زنان بالاتر از مردان است. فلک‌الدین و حاجی‌زاده میمندی (۱۳۹۶) در بررسی رفتارهای محیط زیستی مسولانه در بین شهروندان شهر یزد و عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر آن گزارش کردند که بین متغیرهای جنس، سن، آگاهی محیط‌زیستی، سبک زندگی سلامت محور، استفاده از شبکه‌های اجتماعی، سرمایه فرهنگی و قانون‌گرایی با رفتارهای محیط‌زیستی رابطه معناداری وجود دارد اما بین درآمد و بُعد نهادینه شده سرمایه فرهنگی با رفتارهای محیط‌زیستی رابطه معناداری وجود نداشت و زنان نسبت به مردان رفتارهای محیط‌زیستی مسولانه‌تری داشتند.

مواد و روش تحقیق

روش پژوهش حاضر در بررسی نقش زنان و ارتباط آن با مدیریت محیط زیست شهری از نوع ارتباطی و از لحاظ محتوا و ماهیت مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و همبستگی با هدف کاربردی مورد استفاده قرار گرفته است. برای گردآوری اطلاعات از دو روش کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است. در پایان اطلاعات به دست آمده پس از دسته بندی، از طریق آمار استنباطی (روش

محسوب می‌شوند، نشان‌دهنده‌ی افت جدی مطلوبیت زندگی در کلانشهر تهران است. شهر تهران در چهار دهه اخیر، بعنوان پایتخت کشور، شاهد دگرگونی‌های متنوع و متعددی در عرصه‌های مختلف جمعیتی، اقتصادی و محیطی بوده است. به طوری که الگوی توسعه شهری در تهران و روند آن بیش از آن که متأثر از نتیجه عملکرد یک مدیریت منسجم باشد، بیشتر حاصل فشارهای فزاینده عوامل مختلفی است که الگوی شهری حاضر را رقم زده است. رشد سریع جمعیت شهر به دلیل نرخ بالای تولد و مهاجرت به شهر، به همان نسبت مصرف منابع در آن و انتشار آلودگی را افزایش داده و امروزه نه تنها تعادل اقتصادی و اجتماعی درون شهر را برهم زده است، بلکه موجب عدم تعادل اکولوژیک منطقه‌ای که در آن قرار گرفته است، شده است. از جمله مواردی که باعث شده کیفیت محیط زیست شهری تهران یکی از ضعیف‌ترین شهرهای آسیا لقب بگیرد عبارتند از: تولید CO₂ بالا، مصرف انرژی خیلی زیاد، سرانه‌ی فضای سبز پایین، سرانه تولید زباله بسیار بالا، مصرف آب زیاد و... (طبیعیان و همکاران، ۱۳۹۳).

هستند. این نهادها مراکز دولتی از جمله سازمان محیط زیست کشور و وزارت بهداشت، نهادهای عمومی مانند شهرداری‌ها و شورای شهر و همچنین نهادهای خصوصی مانند NGOها و شرکت‌های خصوصی که در حیطه محیط زیست فعالیت می‌کنند را دربر می‌گیرند و به نظر می‌رسد که به موفقیت لازم در حل مشکلات محیطی نرسیده‌اند. در واقع این نهادها از هماهنگی لازم برخوردار نیستند و موازی کاری آنها در انجام وظایف خود باعث دامن زدن به مسائل محیطی شده است. کلانشهر تهران حدود یک چهارم جمعیت شهری ایران را در خود جای داده که خود منجر به گسترش و شدت فشارهای وارده بر محیط زیست و در نتیجه به بروز انواع آلودگی‌های محیطی، تخریب منابع و کاهش فضاهای طبیعی و در پی آن افزایش نیاز شهروندان تهرانی به محیط‌زیستی سالم و در نتیجه افزایش انتظارات آنان از مدیران و برنامه‌ریزان شهری در کلانشهر تهران شده است. حفاظت از محیط‌زیست از ارکان اصلی مدیریت شهری محسوب می‌شود. در حال حاضر آلودگی‌های محیطی در زمینه‌های هوا، آب، خاک، صدا و تخریب زیستگاه شهری و تهدید تنوع زیستی که شاخص‌های جهانی سکونتگاه‌های انسانی



شکل ۱: موقعیت جغرافیایی کلانشهر تهران

منبع: باز ترسیم شده توسط نگارندگان، ۱۳۹۸

یافته‌ها

توصیف ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان
 پاسخگویان تحقیق حاضر را زنان ساکن شهر تهران تشکیل می‌دهند. توزیع سنی پاسخگویان نمونه حاضر در محدوده ۲۰ تا ۶۰ سال قرار دارد. در میان نمونه حاضر، بیشترین سن افراد پرسش‌شونده، با ۵۲/۳ درصد فراوانی، در رده سنی ۴۱ - ۵۰ سال، و کمترین گروه، افراد بالای ۵۰ سال با ۱۲ درصد فراوانی را دارند. در این میان لیسانس‌ها بیشترین فراوانی و بی‌سوادها و دکتری کمترین فراوانی را دارند. بیشترین مدت اقامت افراد پاسخگو با ۶ - ۱۰ سال اقامت با ۲۶ درصد فراوانی و

کمترین آن در رده‌ی بیشتر از ۲۰ سال اقامت با ۱۰/۹ درصد فراوانی قرار گرفته است. ۳۹/۱ درصد از زنان پرسش‌شونده متولد شهر تهران و ۲۳/۴ درصد نیز متولد خارج از استان تهران است. بیشترین تعداد اعضای خانواده افراد پرسش‌شونده، چهار نفره است با ۳۴/۶ درصد. و تعداد اعضای خانواده‌های ۲ نفره، ۳ نفره، ۵ نفر به بالا و در نهایت ۱ نفره یا مستقل به ترتیب با ارزش عددی «۲۷/۷، ۳۲/۶، ۱/۱ و ۴/۰ درصدی» در مرتبه‌های دوم تا پنجم قرار دارند. و در آخر نیز بیشترین فراوانی شغل افراد پرسش‌شونده، شغل آزاد است با ۲۳/۱ درصد. و بیکارها کمترین افراد پاسخگو هستند با ۱۰/۹ درصد.

جدول ۲: توزیع فراوانی پاسخ دهندگان بر اساس ویژگی‌های دموگرافیک

مشخصات	شرح						
سن	۲۰ - ۳۰	۳۱ - ۴۰	۴۱ - ۵۰	+ ۵۰			
فراوانی(درصد فراوانی)	۶۷ (۱۹/۱)	۵۸ (۱۶/۶)	۱۸۳ (۵۲/۳)	۴۲ (۱۲/۰)			
تحصیلات	بی‌سواد	ابتدایی	راهنمایی	دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس	دکتری (+)
فراوانی(درصد فراوانی)	۲۹ (۸/۳)	۳۸ (۱۰/۹)	۵۸ (۱۶/۶)	۴۸ (۱۳/۷)	۱۰۶ (۳۰/۳)	۴۲ (۱۲/۰)	۲۹ (۸/۳)
مدت اقامت	۱ - ۵	۶ - ۱۰	۱۱ - ۱۵	۱۶ - ۲۰	+ ۲۰		
فراوانی(درصد فراوانی)	۵۳ (۱۵/۱)	۹۱ (۲۶/)	۸۴ (۲۴/)	۸۴ (۲۴/)	۳۸ (۱۰/۹)		
محل تولد	شهر تهران	شهرهای دیگر تهران	شهرستان				
فراوانی(درصد فراوانی)	۱۳۷ (۳۹/۱)	۱۳۱ (۳۷/۴)	۸۲ (۲۳/۴)				
تعداد افراد خانواده	۱ نفر (مستقل)	۲ نفر	۳ نفر	۴ نفر	+۵		
فراوانی(درصد فراوانی)	۱۴ (۴/۰)	۹۷ (۲۷/۷)	۱۱۴ (۳۲/۶)	۱۲۱ (۳۴/۶)	۴ (۱/۱)		
شغل	بیکار	خانه دار	کارگر	شغل آزاد	دانشجو	دولتی	
فراوانی(درصد فراوانی)	۳۸ (۱۰/۹)	۴۹ (۱۴/۰)	۶۱ (۱۷/۴)	۸۱ (۲۳/۱)	۶۳ (۱۸/۰)	۵۸ (۱۶/۶)	

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

توصیف متغیرهای اثرگذار

برای ارزیابی عملکرد و نقش‌های زنان در زمینه پویایی و حفظ محیط زیست شهری تهران، از سه بعد (درک و آگاهی، مشارکت و مدیریت محیط زیستی) و ۲۵ گویه با توجه به فعالیت‌های آنها استفاده می‌شود

ابتدا میانگین و انحراف معیار تمام شاخص‌ها بدست آمد جدول شماره (۳). با توجه به نتایج جدول (۳)، یافته‌ها نشان می‌دهد که زنان مورد مطالعه در بعد درک و آگاهی از محیط زیست موفق عمل کرده‌اند اما در زمینه‌های مشارکت و مدیریت محیط زیستی ضعیف عمل کرده‌اند.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار شاخص‌ها (زنان مورد بررسی)

متغیر	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	رتبه
علاقتمندی به حفظ و نگهداری فضای سبز		۴/۹۷	۰/۱۷	۱

متغیر	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	رتبه
میزان درک و آگاهی از مسائل محیطی	آگاهی از خطر ساز بودن حشره‌کش‌ها و اسپری‌های خوشبو کننده‌ی هوا برای مبارزه با حشرات موذی	۳/۸۳	۱/۰۶	۶
	بیرون گذاشتن زباله راس ساعت	۳/۶۱	۱/۴۷	۷
	توجه به قابلیت بازیافت کالا در موقع خرید	۲/۵۴	۱/۲۷	۸
	آمادگی خرید کالایی که دارای مواد بازیافت شده باشد	۴/۰۸	۱/۲۱	۳
	تمایل به تفکیک زباله	۴/۵۷	۰/۶۰	۲
کل	آلودگی آب‌ها با مواد شوینده	۳/۹۲	۱/۳۱	۴
	آشنایی به مسائل و مشکلات محیط زیستی شهر	۲/۸۴	۱/۱۹	۵
		۳/۹۳	۰/۹۹	-

متغیر	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	رتبه
میزان مشارکت در مسائل محیط زیستی	هزینه شخصی برای حل مسائل و مشکلات محیطی شهر	۳/۴۷	۱/۴۰	۱
	وقت خود را صرف برطرف کردن مشکلات محیط زیستی شهر کردن	۳/۱۵	۱/۱۸	۲
	شرکت در فعالیت‌های گروهی (مانند جمع‌آوری زباله‌های رها شده در محیط شهری و طبیعت)	۲/۴۶	۱/۱۷	۸
	شرکت در انتخاب و برگزیدن افراد برای بدست گرفتن پست‌های مدیریتی و اجرایی محیط زیستی	۲/۵۲	۱/۱۵	۷
	شرکت در تصمیم‌گیری‌های مدیریتی و اجرایی محیط زیستی	۲/۸۶	۱/۲۳	۴
	تفکر تاسیس و راه‌اندازی گروه، موسسه و... برای فعالیت‌های محیط زیستی	۲/۲۱	۱/۲۰	۹
	میزان مشارکت و همیاری با موسسات و گروه‌های فعال محیط زیستی	۲/۵۶	۱/۲۹	۶
	پیگیری آخرین اخبار و وضعیت محیط زیست شهر خود	۲/۹۴	۱/۲۵	۳
کل		۲/۷۸	۱/۱۸	

متغیر	گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار	رتبه
میزان موفقیت در مدیریت مسائل محیط زیستی	موافقت با واگذاری پست‌های مدیریتی و اجرایی به زنان	۳/۹۰	۱/۲۵	۳
	موافقت با واگذاری پست‌های مدیریتی و اجرایی به مردان	۴/۲۰	۱/۰۶	۲
	موافقت با واگذاری پست‌های مدیریتی و اجرایی هم به زنان و هم به مردان (همکاری و تعاون با همدیگر)	۴/۵۹	۰/۷۰	۱
	میزان موفقیت زنان در امر مدیریتی محیط زیست (با توجه به سابقه زنانی که در این حیطه فعالیت داشته‌اند)	۲/۸۳	۱/۵۱	۵
	میزان موفقیت مردان در امر مدیریتی محیط زیست (با توجه به سابقه مردانی که در این حیطه فعالیت داشته‌اند)	۳/۴۵	۱/۵۱	۴
	مدیریت مرتبط با محیط زیست شهر (هم مدیریت زنان و هم مدیریت مردان)، سبب ارتقا سطح آگاهی نسبت به مسائل و مشکلات محیط زیست شهری می‌شود	۲/۵۷	۱/۱۷	۷
	موفقیت راهکارهای ارائه شده توسط مدیریت محیط زیست شهر (هم مدیریت زنان و هم مدیریت مردان)	۲/۲۹	۱/۰۲	۸
	موثر بودن آموزش و برگزاری کلاس‌ها و سمینارهای آگاه‌سازی نسبت به اهمیت حیاتی محیط زیست شهری	۲/۵۸	۱/۱۰	۶
	رضایت از برنامه‌های ارائه شده و اجرا شده توسط مدیریت نسبت به حل بحران‌های محیط زیستی شهر	۱/۸۹	۰/۸۱	۹
	کل		۲/۸۲	۱/۰۵

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

آزمون تی مستقل تک نمونه‌ای برای شاخص‌های بعد درک و آگاهی، مشارکت و مدیریت محیط زیستی زنان مورد مطالعه

جدول ۴، نتایج حاصل آزمون t مستقل تک نمونه‌ای، برای مقایسه میانگین میزان درک و آگاهی، مشارکت و مدیریت محیطی زنان بر پویایی مدیریت محیط زیست کلانشهر تهران انجام گرفته است. در این آزمون که با سطح متوسط (یعنی عدد ۳ که مربوط به کیفیت متوسط است) مقایسه شده‌اند که نتایج آن به شرح زیر است. با توجه به فرضیه H_0 مبنی بر عدم تفاوت بین میانگین شاخص ($\mu = 3$) با میانگین داده‌ها همانطور که مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون تی، برای هر کدام از شاخص‌ها به‌طور کلی کمتر از ۰/۰۵ است که

نشان‌دهنده رد شدن فرضیه H_0 است و با توجه به اختلاف میانگین‌های آزمون مشهود است که از دید زنان مورد مطالعه میزان درک و آگاهی از مسائل محیط زیست با میانگین ۳/۹۳ دارای بیشترین اثر دارای وضعیت بهتری است که با توجه به سطح معنی‌داری می‌توان گفت که بعد مشارکت و مدیریت محیطی زنان مورد مطالعه با سطح میانگین ($\mu = 3$) دارای اختلاف معناداری است. در واقع عملکرد آنها کمتر از حد متوسط است. با توجه به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از آزمون t یک طرفه مشاهده می‌شود که از نظر زنان، ابعاد درک و آگاهی در امر مربوط به محیط زیست شهر تهران در وضعیت متوسط رو بالا و بعد مشارکت و مدیریت محیطی زیست شهری تهران در وضعیت متوسط رو به پایین و در حالت ضعیفی قرار دارد.

جدول ۴: نتایج آزمون t مستقل تک نمونه‌ای برای بعد درک و آگاهی محیطی زیستی زنان

شاخص	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره آزمون تی	سطح معناداری
درک و آگاهی محیطی	۳۵۰	۳/۹۳	۰/۹۹	۱۷/۷۱۸	۰/۰۰۰
مشارکت محیطی	۳۵۰	۲/۷۸	۱/۱۸	-۳/۴۸	۰/۰۰۱
مدیریت محیطی	۳۵۰	۲/۸۲	۱/۰۵	۲/۵۷	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۸

ارتباط بین سطح تحصیلات و درک و آگاهی محیطی زیستی زنان، مشارکت و مدیریت آنها

نتایج آزمون اسپیرمن (جدول شماره ۷) نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین سطح تحصیلات زنان با میزان درک و آگاهی محیطی، مشارکت محیطی و مدیریت محیطی بالاتر از ۰/۵ است و سطح معناداری آن نیز کمتر از ۰/۰۵ یعنی «۰/۰۰۰» است بنابراین ارتباط قوی و مطلوبی بین سطح تحصیلات زنان با میزان درک و آگاهی محیطی، مشارکت محیطی و مدیریت محیطی وجود دارد. سطح تحصیلات یکی از شاخص‌های مهم اجتماعی و فرهنگی است که با دیگر ابعاد زندگی اجتماعی افراد در رابطه نزدیک است. سطح تحصیلات

بالاتر به عنوان یکی از عوامل مهم و مؤثر در میزان آگاهی و پذیرش آموزش‌های محیطی زیستی به شمار می‌آید. (رحمانی و مجیدی، ۱۳۸۸). میزان تحصیلات در تطور فکری زنان تأثیر دارد. ارزش محیط زیست برای زن تحصیل کرده بیشتر است، زیرا زن تحصیل کرده آشنایی بیشتری با موضوع محیط زیست و اهمیت حفظ آن دارد. همچنین با توجه به نقشی که زنان در مقام پرورش دهندگاه نسل آینده در جامعه دارند، میزان تحصیلات آنها در رفتارهای محیطی فرزندان نیز بسیار مؤثر است. این زنان با آموزش حفظ محیط زیست به فرزندان خود نقش مهمی در فرهنگ‌سازی و نهادینه کردن رفتارهای مشارکتی می‌توانند برعهده داشته باشند (مجیدی، ۱۳۸۷).

جدول ۷: نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن ارتباط بین سطح تحصیلات و درک و آگاهی محیط زیستی زنان، مشارکت و مدیریت آنها در این زمینه

مدیریت محیطی	مشارکت محیطی	درک و آگاهی محیطی	ضریب همبستگی	تحصیلات
۰/۹۷۹**	۰/۹۷۸**	۰/۹۶۳**	سطح معناداری	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	تعداد	
۳۵۰	۳۵۰	۳۵۰		

**= بیانگر معناداری در سطح ۱ درصد

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۸

نتیجه گیری

یکی از مهمترین مسائل قرن بیست و یکم، مسائل محیط زیستی است. حل مشکلات محیطی کشور، نیازمند برنامه ریزی و ارائه راهکارها در جهت بهبود آن هاست. متخصصان علوم مختلف از جمله محیط زیست، جامعه شناسی و علوم اجتماعی تحقیقات زیادی را در این زمینه انجام داده اند که این امر نشان از توجه بیشتر آن ها به این مسئله دارد. مطالعات انجام شده در تعداد زیادی از جوامع نشان داده است که زنان عامل مهمی برای رشد و توسعه هستند. توانایی آنها در پس انداز و سرمایه گذاری در خانواده به خوبی به اثبات رسیده است. اجلاس سازمان ملل روی توسعه و محیط زیست (UNCED) در ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ اتفاق مهمی برای زنان سراسر جهان بود. زیرا نقش قاطع زنان در دستیابی به نوعی متفاوت از توسعه که از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و محیطی پایدار باشد، بازنشاسی کرد و سهم آنان را در مدیریت محیط زیست و توسعه ی بیشتر مورد تأکید قرار داد. طبق نظر هماتی مدارکی وجود دارد که زنان از نظر محیطی نسبت به مردان آگاه ترند و بیشتر در فعالیتهای حفاظت از محیط زیست از قبیل بازیافت مواد زائد، استفاده مجدد از مواد زائد، خرید آگاهانه کالاهای سازگار با محیط زیست و... درگیر هستند. اکوفمینیست ها بحث می کنند که به طور تاریخی دانش زنان از طبیعت به حفظ زندگی کمک می کند. نظریه اکوفمینیستی تسلط و بهره کشی تاریخی از زنان و طبیعت را در کنار یکدیگر ترسیم کرده و هر دو را قربانیان توسعه در نظر گرفته است. بر اساس این دیدگاه هر آسیبی به طبیعت به زنان آسیب می رساند. اکولوژیست های سیاسی فمینیست نیز نشان داده اند که زنان در کشورهای در حال توسعه دانش عمیقی درباره

بذرها، بوته ها، گیاهان و درختان و در کل منابع طبیعی دارند. بنابراین در یک رهیافت و فرایند توسعه از پایین به بالا و حساس به جنسیت، زنان در کشورهای در حال توسعه یک عنصر کلیدی توسعه در کل و به ویژه در زمینه حفاظت از محیط زیست هستند. در تحقیق حاضر که هدف بررسی ارزیابی نقش های زنان در زمینه پویایی مدیریت محیط زیست شهری تهران بود، یافته ها حاکی از آن بود که بین ادراک و آگاهی از مسائل زیست محیطی شهر تهران با حفظ پویایی مدیریت محیط زیست رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. آگاهی افراد از تغییراتی که در آب و هوا رخ می دهد؛ می تواند پایه ای برای مشارکت بهتر آن ها در فعالیت ها برای کاهش پیامدهای تغییرات محیطی باشد. زیرا وقتی افراد به مسأله ای اشراف داشته باشند، نسبت به پیامدهای آن آگاه تر هستند. بخش دیگری از یافته های تحقیق حاضر بیانگر عدم معناداری مشارکت زنان بر پویایی مدیریت محیط زیست شهر تهران بود. امروزه توجه به مشارکت زنان به عنوان نیمی از منابع انسانی، نه تنها از موضوعات و اهداف اساسی توسعه ی اجتماعی و اقتصادی در هر کشور به شمار می رود، بلکه ابزاری مؤثر در تحقق اهداف توسعه ی پایدار نیز محسوب می شود. از این روی یکی از شاخص های درجه ی توسعه یافتگی یک کشور، میزان مشارکت و نقشی است که زنان در آن کشور دارا هستند. مشارکت زنان به معنی دخالت همه جانبه ی آنان اعم از همفکری، مشاوره، همکاری، تصمیم گیری و اجرای در امور اقتصادی، سیاسی، زیست محیطی است که به آنان امکان می دهد تا در فرآیند مدیریت جامعه مشارکت فعالی داشته باشند. زنان با توجه به نقشی که در عرصه های گوناگون دارند، قادر به تاثیر گذاری بسیار بر محیط زیست هستند. زنان داری دانش و تخصص بسیار

- ✓ مطالعه‌ی راهکارهای توانمندسازی زنان در جهت تقویت نقش آنان در حفاظت از محیط زیست؛
- ✓ بررسی راهکارهای ممکن در ارتقاء فرهنگ علوم محیطی در جامعه؛
- ✓ بررسی روش‌های کاهش مصرف و آشنایی زنان با شیوه‌ی صحیح مصرف منابع؛
- ✓ بررسی راهکارهای ممکن در راستای اهمیت دادن به نقش محوری زنان در توسعه پایدار.

پی‌نوشت

- 1- United Nations Conference Sustainable Development
- 2- Feminism
- 3- Eco-Feminism
- 4- Francois d, Eaubonne
- 5- Hemmati
- 6- Urban Environmental Managemen
- 7- Agbogidi & Ofuoku
- 8- Jin
- 9- Donna
- 10- Eastin
- 11- Liu
- 12- Yadav & Lal

منابع

- آل بویه، ع، علاسوند، ف. و کبیری، ز، ۱۳۹۷. بررسی انتقادی دیدگاه اکوفمینیسم رادیکال درباره جواز سقط جنین از منظر اخلاقی، پژوهش نامه اخلاق: ۱۱ (۴۲). ص ۹۵-۱۱۲.

<http://akhlagh.maaref.ac.ir/article-1-1100-fa.html>

- احمدی، ا، مشکینی، ق. و دمیرچی، ح.ص، ۱۳۹۶. بررسی رابطه‌ی جنسیت با شهروندی محیط‌زیستی (مطالعه‌ی موردی: مناطق ۳، ۱۱ و ۱۹ تهران)، پژوهش نامه زنان: ۸ (۳). ص ۱-۱۸.

<http://noo.rs/6FPuE>

- اکبری، ح، ۱۳۹۱. نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست، زن در توسعه و سیاست: ۱۰ (۴). ص ۳۷-۵۶.
<https://dx.doi.org/10.22059/jwdp.2013.30574>
- مبرقی دینان، ن. و شهریاری، آ، ۱۳۹۵. نیازسنجی آموزش‌های محیط زیستی در زنان خانه‌دار (مطالعه موردی:

در مورد مسائل مرتبط با محیط اطراف خود هستند و می‌توانند نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست و مصرف بهینه منابع داشته باشند. بخش دیگری از یافته‌های تحقیق حاضر بیانگر مدیریت ضعیف محیط زیست شهر تهران بود که رابطه مثبتی و معناداری با حفظ، پویایی و ارتقای مدیریت محیط زیست شهری داشت. مدیریت عامل تعیین‌کننده در استفاده از تمامی منابع و انرژی در سازمان برای دستیابی به اهداف سازمانی است. بنابراین مدیریت اصلی‌ترین عامل در موفقیت سازمانی بشمار می‌رود. اگر این مانع (مدیریت محیط زیست) مرتفع گردد، رفتارهای زیست محیطی در حد بالایی بهبود می‌یابد و به تبع آن سبب حفظ، پویایی و ارتقای محیط زیست در جامعه می‌شود. در رابطه با ارتباط بین سطح تحصیلات زنان با میزان درک و آگاهی‌شان، مشارکت‌شان و میزان موفقیت در مدیریت مسائل محیطی تأیید شد به طوری که بین سطح تحصیلات زنان تهرانی با میزان درک و آگاهی‌شان، مشارکت‌شان و میزان موفقیت در مدیریت مسائل محیطی همبستگی مثبت و معناداری وجود داشت.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، برای آگاهی هرچه بیشتر استفاده‌کنندگان از منابع طبیعی و ثروت‌های خدادادی و بهره‌برداری صحیح از آنها، نقش موثر زنان در جهت حفاظت از محیط زیست و نیز الگوی صحیح مصرف در زندگی، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شوند:

- ✓ قرار دادن برنامه‌های محیط زیستی در نظام رسمی آموزش و پرورش؛
- ✓ استفاده از تجربیات زنان در مدیریت منابع طبیعی؛
- ✓ تقویت نقش زنان در توسعه فرهنگ محیط‌زیست؛
- پیشنهادهایی برای پژوهشگران و محققان آتی
- ✓ بررسی پیرامون موانع و محدودیت‌های موجود بر سر راه ایفای موثر نقش زنان در اجرای برنامه‌های محیط زیستی؛

- آسیایی بر مبنای شاخص‌های رویکرد شهر سبز، معماری و شهرسازی آرمانشهر: - (۱۵). ۳۲۹ - ۳۴۳.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=272951>
- عباس‌زاده، م. و کریم‌زاده، س.، ۱۳۹۶. جهت‌گیری زنان نسبت به محیط زیست (محل مطالعه: ارومیه)، مسائل اجتماعی ایران: ۸ (۲). ۱۵۰-۱۲۱.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=495576>
- فلک‌الدین، ز. و حاجی‌زاده میمندی، م.، ۱۳۹۶. بررسی رفتارهای محیط‌زیستی مسؤلانه در بین شهروندان شهر یزد و عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آن، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی: ۳ (۱۰). ۱۱۲-۸۲.
<https://dx.doi.org/10.22080/ssi.2018.1737>
- فنی، ز.، ۱۳۹۴. تغییرات آب و هوایی، نقش‌های جنسیتی و امنیت غذایی، پنجمین کنفرانس منطقه‌ای تغییر اقلیم: ۱-۶
<https://civilica.com/doc/557305>.
- کریمی، م.، و درویش نوری، س. (۱۳۹۸). مقاله مروری: فقر و توسعه پایدار محیط زیست (با تأکید بر نقش جنسیت). مدیریت محیط زیست و توسعه پایدار: ۲ (-). ۵۷-۶۱.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=468765>
- اکبری، ح.، ۱۳۹۱. نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست، زن در توسعه و سیاست: ۱۰ (۴). ۳۷-۵۶.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=468765>
- مجیدی، ب.، ۱۳۸۷. مشارکت زیست محیطی زنان برای توسعه پایدار شهری، نشریه صفا: ۱۷ (۴۶). ۱۵۶-۱۶۶.
<https://dorl.net/dor/20.1001.1.1683870.1387.17.2.3.9>
- هاشمی، م.، لاهیجانیان، ا.، معین‌الدینی، م.، مقدم نیا، ع. و ارجمندی، ر.، ۱۳۹۸. ارائه مدل ارتقاء عملکرد مدیریت محیط زیست کلانشهر تهران، جغرافیا و آمایش شهری- منطقه‌ای: ۹ (۳۳). ۱۸۹-۲۱۲.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=527937>
- Agbogidi, O.M. and Ofuoku, A.U., 2007. Promoting environmental protection in Nigeria through environmental education: the role of - Asteria, D., Herdiansyah, H. and Apriana, I.W.A., 2016. Women's Environmental Literacy as Social Capital in Environmental Management for Environmental Security of Urban Area. In IOP Conference Series: Earth and Environmental Science (Vol. 30, No. 1, p. 012014). IOP Publishing. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/30/1/012014>
- Biehl, J., 2011. "Rethinking Eco-feminist politics"(No green goddesses) [in:https://ir.mondediplo.com](https://ir.mondediplo.com)
- منطقه ۱۵ شهرداری تهران، آموزش محیط زیست و توسعه پایدار: ۵ (۲). ص ۷۳-۸۴.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=292601>
- بزی، خ. و سرگلزایی، ص.، ۱۳۹۱. ارزیابی نقش و جایگاه زنان در مدیریت شهری با استفاده از تکنیک Topsis (مورد مطالعه: زابل)، مجله علمی تخصصی برنامه‌ریزی فضایی: ۲ (۱). ص ۱۰۷-۱۲۰.
https://sppl.ui.ac.ir/article_15915.html
- جدها، م.، ۱۳۹۵. نقش زنان در توسعه پایدار محیطی (مطالعه موردی: نقش زنان در شرکت پالایش نفت تهران)، همایش مسئولیت اجتماعی شرکت- مسئولیت اجتماعی صنعت نفت
<https://civilica.com/doc/489986>.
- رحمانی، ب. و مجیدی، ب.، ۱۳۸۸. عوامل مؤثر بر مشارکت زنان در حفظ محیط زیست شهری با تأکید بر نگرش اکوفمنیستی (مطالعه موردی: مناطق ۶ و ۸ شهرداری شهر تهران)، فصلنامه جغرافیایی آمایش: ۲ (۷). ص ۳۸-۱۵.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=112748>
- صالحی، ص و خوش‌فر، غلامرضا، ۱۳۹۲. بررسی نگرش زنان نسبت به بازیافت زباله‌های خانگی در مازندران، برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی: - (۱۵). ۲۵۲-۲۰۹.
<http://noo.rs/FpEK2>
- صالحی، ص.، کبیری، ا. و کریم‌زاده، سارا.، ۱۳۹۴. بررسی نقش جنسیت در جهت‌گیری‌های محیط‌زیستی، علوم و تکنولوژی محیط زیست: ۱۸ (۱). ۱۵۲-۱۶۰.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=274936>
- صالحی برمی، م.، نوری کرمانی، ع. و رضایی، ع.ا.، ۱۳۹۷. ارزیابی عملکرد زیست محیطی شهرداری تهران بر اساس شاخصهای شهر سبز، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری: ۱۰ (۲۳). ۱-۱۵.
<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=472797>
- طیبیان، م.، افشار، ی. و شهبابی شه میری، م.، ۱۳۹۳. ارزیابی تطبیقی جایگاه زیست محیطی شهر تهران با ۲۲ شهر women. *Journal of Environmental Extension*, 6, p.17-24. <https://doi.org/10.4314/jext.v6i1.2756>

- Eastin, J., 2018. Climate change and gender equality in developing states. *World Development*, 107, p.289-305
<https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2018.02.021>
- Eaton, H. and Lorentzen, L. A., 2003. *Ecofeminism and Globalization*, Rowman & Little field Publisher, Inc.
<https://www.proquest.com/scholarly-journals/ecofeminism-globalization-exploring-culture/docview/217462171/se-2>
- Feng, W. and ZhiHua, C., 2009. Gender Differences in Public Environmental Behaviors and Their Changes based on Data Taken During 2006 and 2009 in Xi'an, China, Unpublished Dissertation, Northwest University, Northwest, USA.
- Jin, J., Wang, X. and Gao, Y., 2015. Gender differences in farmers' responses to climate change adaptation in Yongqiao District, China. *Science of the Total Environment*, 538, p.942-948.
<https://doi.org/10.1016/j.scitotenv.2015.07.027>
- Leahy, T., 2003. Ecofeminism in theory and practice: Women's responses to environmental issues. *Journal of Interdisciplinary Gender Studies* 7.1 _2, p: 106- 125.
<https://www.researchgate.net/publication/259335485>
- Liu, H., Wu, Y., Lei, D. and Li, B., 2018. Gender differences in physiological and psychological responses to the thermal environment with varying clothing ensembles. *Building and Environment*, 141, p.45-54.
<https://doi.org/10.1016/j.buildenv.2018.05.040>
- Longenecker Marlene., 2005. "women, Ecology, and the Environment: An Introduction" available at www.indiana.edu/~iupress/journals/nwsa/nws9-3.html.
<https://www.jstor.org/stable/4316527>
- NAAEE (2011), *Developing a Framework for Assessing Environmental Literacy*. Copyright © 2011 by the North American Association for Environmental Education (NAAEE) 2000 P Street, N.W., Suite 540, Washington, D.C. 20036, USA <http://www.naaee.net/>
- Pourkarimi, E., Zibakalam, S., Noroozi, N. and Ebtakar, M., 2016. A Conceptual Model for Integrated Management of the Urban Environment in Tehran Metropolis (Based on the Good Governance Guidelines). *International Journal of Environmental Research*, 10(3), p.391-400.
<https://dx.doi.org/10.22059/ijer.2016.58758>
- Rao, M., 2012. Ecofeminism at the crossroads in India: A review. *Dep*, 20(12), p.124-142.
- Sundström, A. and McCright, A.M., 2013. Examining gender differences in environmental concern across four levels of the Swedish polity, Unpublished Dissertation, University of Gothenburg, Gothenburg. <http://hdl.handle.net/2077/38939>
- Urien, B. and Kilbourn, W., 2011. Generativity and self- enhancement values in friendly behavioral intentions and environmentally responsible consumption behavior. *Psychology & Marketing*, Vol.28(1), p.69-90.
<https://doi.org/10.1002/mar.20381>
- Van Dijk, M.P., 2006. *Managing cities in developing countries: the theory and practice of urban management*, Edward elgar publishing.
- Wong, S.W., Tang, B.S. and Van Horen, B., 2006. Strategic urban management in China: A case study of Guangzhou Development District. *Habitat International*, 30(3), p.645-667. <https://doi.org/10.1016/j.habitatint.2005.04.001>
- Woolen, M.T., 2006. " Ecofeminism: Their viewpoints and the problem with the western world", available at carbon. [Cudenver.edu/stc-link/wmnecol/html/ecowolen.htm](http://www.cudenver.edu/stc-link/wmnecol/html/ecowolen.htm)
- www.wen.org.uk, Wen "Gender and the climate change agenda", 2010
- Yadav, S.S. and Lal, R., 2018. Vulnerability of women to climate change in arid and semi-arid regions: The case of India and South Asia. *Journal of Arid Environments*, 149, p.4-17. <https://doi.org/10.1016/j.jaridenv.2017.08.001>
- Yan, Y., Wang, C., Quan, Y., Wu, G. and Zhao, J., 2018. Urban sustainable development efficiency towards the balance between nature and human well-being: Connotation, measurement, and assessment. *Journal of Cleaner Production*, 178, p.67-75.
<https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2018.01.013>

